

نقش اهل بیت علیهم السلام

کتابخانه کنگره

■ مقدمه

جایگاه و نقش اهل بیت علیهم السلام در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی همزمان با نقش تأثیرگذار رسول خدا (ص) در تفسیر آیات قرآن و تربیت مفسران گران قدری از صحابه، از حضرت علی (ع) به عنوان صدرالمفسرین و آگاه‌ترین اشخاص به ظاهر و باطن قرآن، شروع می‌شود. علی بن ابی طالب (ع) به عنوان یک شاگرد ویژه، که تمام مسائل وحی و شریعت را از رسول خدا (ص) آموخته بود، خود به تربیت مفسران پرداخت و به گونه‌ای در فرهنگ و دانش آن عصر نفوذ نمود که هیچ یک از صحابه دارای هر دانش و منصبی که بودند، خود را بی‌نیاز از وی نمی‌دیدند. بزرگ‌ترین مفسران صحابه پس از حضرت علی (ع) مانند ابن عباس، ابن مسعود و ابی بن کعب، به علم بی‌نظیر آن حضرت اعتراف نموده‌اند، بلکه در بسیاری از موارد، علم تفسیر خود را وامدار ایشان

می‌دانند. ابن عباس می‌گوید: تمام آنچه را از تفسیر فرا گرفتم، از علی بن ابی طالب (ع) است.^(۱)

ابن مسعود با اتصال معنوی و رابطه فکری با علی (ع)، آموزه‌های خود را متأثر از دانش و معلومات او می‌داند و می‌گوید: «من تفسیر را از علی (ع) برگرفتم و از او استفاده بردم و معلوماتم را بر او خواندم. بی شک علی (ع) بهترین و دانشمندترین مردم پس از پیامبر خداست.»^(۲)

افزون بر آن، این شیوه در خاندان اهل بیت علیهم السلام ادامه یافته و پس از عصر صحابه، در دوران‌های بعد نیز این تلاش‌ها ادامه می‌یابند و پیشوایان از اهل بیت علیهم السلام به افاضه علوم و گسترش فرهنگ قرآنی می‌پردازند. خانواده علی بن ابی طالب نیز این کار را انجام می‌دادند و حتی حضرت زینب علیها السلام به بانوان قرآن می‌آموخت. امام سجاد و امام باقر و

سایر ائمه علیهم السلام ادامه دهنده این راه بوده‌اند.

این نوشتار به نقش اهل بیت علیهم السلام در تفسیر تابعین می‌پردازد. منظور از تابعی کسی است که صحابی را ملاقات کرده و ایمان به پیامبر آورده و در حال اسلام از دنیا رفته باشد^(۳) و منظور از «اهل بیت علیهم السلام» همان‌گونه که در آیه «تطهیر» (احزاب، ۳۳) مطرح شده است و روایات فراوانی از شیعه و اهل سنت آن را تأیید می‌کند،^(۴) پیامبر (ص)، علی بن ابی طالب، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام است. اما در مفهوم گسترده‌تری، مطابق روایات، شامل چهارده معصوم علیهم السلام می‌شود که در روایات نام تک تک آن‌ها آمده است.^(۵)

اما از آن رو که بیش‌تر روایات تفسیری تابعین و مطالب رسیده از آن‌ها در تفسیر^(۶) همزمان با امام سجاد، امام باقر و امام صادق

علیهم السلام می‌باشد، بدین جهت در این نوشتار نقش این سه امام در تفسیر تابعانی که هم عصر بوده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

افراد زیادی از تابعان که به تفسیر قرآن معروفند، دانش تفسیر خود را وامدار این امامان می‌دانند. از جمله آن‌ها می‌توان به سعید بن جبیر، طاووس یمانی، عطیه سعد عوفی، جابر بن یزید جعفی، محمد بن سائب کلبی، سدی کبیری، قتاده، زید بن اسلم و ده‌ها شخصیت دیگر اشاره کرد.

پیش از هر چیز، به برخی از مهم‌ترین مبانی و اصولی که این امامان به شاگردان خود ارائه نموده‌اند، اشاره می‌شود.

■ **مبانی اهل بیت در تفسیر تابعین**
اهل بیت علیهم السلام دارای مبانی بسیار روشن و گویایی در تفسیر هستند. این مبانی در آموزه‌هایی که به شاگردان مکتب تفسیریشان ارائه داده‌اند، نقش تعیین‌کننده و اثرگذار در فهم و برداشت‌های قرآنی دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- تفسیر با امور علمی و قطعی

شرح و توضیح کلام خداوند با امور ظنی و احتمالی منجر به تفسیر به رأی می‌شود و از مصادیق سخن گفتن بدون علم درباره قرآن است که منجر به شبهه «افتراء علی الله» خواهد شد. امام باقر علیه السلام در مکتب تفسیری خود از تفسیر به این شیوه نهی نموده است: از جمله در سفارش به قتاده بن دعامة (۱۱۷ هـ.ق) از تابعین مدرسه عراق (که روایات فراوانی در تفسیر دارد) این مطلب را بیان داشته است. زید شحام گوید: قتاده بن دعامة نزد ابوجعفر امام باقر (ع) آمد. امام فرمود: ای قتاده، تو فقیه اهل بصره هستی؟ گفت: چنین می‌پندارند، ابوجعفر فرمود: به من خبر رسیده است که تو قرآن را تفسیر می‌کنی؟ قتاده گفت: آری. امام به وی فرمود: با علم آن را تفسیر می‌کنی یا با جهل؟ گفت: با علم.

ابوجعفر علیه السلام فرمود: اگر با علم آن را تفسیر می‌کنی، پس تو، تو هستی (که در همان رتبه‌ای هستی که گمان می‌کنی). حال من از تو می‌پرسم.

قتاده گفت: بپرس. امام علیه السلام از معنای آیه‌ای سؤال نمود و او پاسخ ناصحیح داد و امام او را متوجه اشتباهش نمود و فرمود: وای بر تو ای قتاده! اگر قرآن را از پیش خود (و با رأی و دیدگاه شخصی خود) تفسیر می‌کنی پس به حقیقت، هم خود هلاک شده‌ای و هم دیگران را هلاک کرده‌ای.^(۳)

از این روایت استفاده می‌شود که تفسیر باید بر اساس علم باشد و در غیر این صورت، اگر بر اساس رأی و دیدگاه شخصی باشد، موجب هلاکت خود مفسر و دیگران خواهد شد.

۲- توجه به مسائل اعتقادی (بعد توحیدی) آیات

در برخی مواقع، ائمه علیهم السلام مخاطبان خود را به بعد توحیدی آیات توجه می‌دادند:

در روایت است که عمرو بن عبید^(۸) از امام باقر علیه السلام معنای غضب خداوند در آیه «و من یحلل علیه غضبی فقد هوی» (طه، آیه ۸۱) را پرسید. حضرت فرمود: «هو العقاب یا عمرو، انه من زعم ان الله - عز و جل - زال من شیء الی شیء فقد وصفه صفة مخلوق...»^(۹)

در روایت دیگری آمده است: «کسی که گمان ببرد، چیزی می‌تواند خداوند را تغییر دهد، کافر است».^(۱۰)

امام باقر علیه السلام توحید حقیقی را بیان نموده و بعد توحیدی در آیات را مورد توجه قرار داده است.

۳- توجه به بعد ولایی آیات

جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۷ هـ.ق) که از تابعان مدرسه عراق است، گوید: از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه «لئن قتلتم فی سبیل الله اومتهم»^(۱۱) پرسیدم.

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر، آیا می‌دانی منظور از «سبیل الله» در آیه چیست؟ پاسخ دادم: نه، نمی‌دانم، مگر این که از تو بشنوم. حضرت فرمود: «سبیل الله» علی علیه السلام و فرزندانش می‌باشد و آیه می‌فرماید: کسی که در راه ولایت اینان کشته شود، کشته شده راه خداست و کسی که در

ولایت (و با ولایت) اینان بمیرد، در راه خدا مرده است.^(۱۲)

توجه به بعد ولایی آیات نه تنها در این روایات، بلکه در بسیاری از سخنان ائمه اطهار علیهم السلام یک اصل حاکم بر تفسیر و فهم قرآن می‌باشد. در روایتی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان الله جعل ولایتنا اهل البیت قطب القرآن و قطب جمیع الکتب، علیهاستدیر محکم القرآن».^(۱۳)

۴- جاودانه بودن قرآن

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی برای هدایت بشر است، از این رو، باید قوانین آن به گونه‌ای باشند که تا روز قیامت بتوانند نقش هدایتگری برای فرد و جامعه ایفا نمایند. لازمه این مبنا برخوردار بودن قرآن کریم از احکام جاودانه و انطباق با زمان‌های حال و آینده و نیز برخورداری از باطنی عمیق است.

بدین روی، امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «اگر این طور باشد که وقتی آیه‌ای درباره قومی نازل شد، پس از آن که آن قوم مردند، آیه نیز بمیرد، چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند، ولی قرآن کریم تا آسمان و زمین هست، جاری است».^(۱۴)

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده است: «قرآن تا ولی دارد که بسان روز و شب و مه و مهر در جریان است».^(۱۵)

■ امام سجاد علیه السلام و تفسیر قرآن

علی بن الحسین علیه السلام صاحب صحیفه کامله سجاده، زبور آل محمد صلی الله علیه و آله، پس از واقعه کربلا ملجأ و پیشوای دینی و فکری و معنوی شیعه در عصر خود بود. از لابه لای تفاسیر شیعه و اهل سنت روایات تفسیری فراوانی از ایشان به چشم می‌خورد که مرحوم سید عبدالرزاق مقرر در کتاب الامام زین العابدین ۲۱ مورد آن را نقل کرده است.^(۱۶) همچنین تفسیر معروف و مفصلی از «بسم الله الرحمن الرحیم» در تفسیر البرهان (ج ۱، ص ۴۵ و نیز ص ۴۹) وجود دارد که امام علیه السلام تمام کلمات این جمله را به صورت بسیار زیبا

و کامل تفسیر کرده است.

در تفسیر نورالثقلین (ج ۲، ص ۲۷۲ و ج ۵، ص ۶۶۴) نیز مذاکرات تفسیری بین امام سجاد علیه السلام و عباد بصری نقل شده است.

در ضمن روایتی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده است: منظور از «قریه» در آیه شریفه «و کم قصصنا من قریه کانت ظالمه» (انبیاء، آیه ۱۱) اهل قریه است. دلیل آن جمله بعد در همین آیه است: «و انشأنا بعدها قوما آخرین.» در این جمله تعبیر به «قوما» شده و این قرینه‌ای است بر این که اهل قریه‌ای نبود می‌شود و قومی دیگر جای آن‌ها می‌آید. (۱۷) امام سجاد علیه السلام شاگردان بسیاری را در تفسیر تربیت نمود که برخی از شاگردان مکتب تفسیری آن حضرت عبارتند از:

۱. سعید بن جبیر (م ۹۵ هـ ق)

روایات فراوانی در کتاب‌های تفسیری شیعه و اهل سنت از وی نقل شده است. وی در سال ۹۵ هـ ق در سن ۴۹ سالگی به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید. (۱۸) مناظره او با حجاج معروف است. (۱۹) از روایات استفاده می‌شود که وی شیعه و از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده و علت قتل وی را نیز همین دانسته‌اند. او پیرو امام زین العابدین علیه السلام بود و آن حضرت نیز وی را می‌ستود. (۲۰)

سعید بن جبیر اعلم تابعان و مفسران زمان خود بود و وثاقت او مورد اتفاق اصحاب صحاح سته اهل سنت و کتب اربعه شیعه می‌باشد. (۲۱)

قتاده، که خود از مفسران به نام تابعان است، می‌گوید: چهار تن در موضوعات و مسائل گوناگون اعلم مردم زمان خود بودند: عطاء بن ابی ریحان در احکام و آیین دینی، سعید بن جبیر در تفسیر، عکرمه در تاریخ و سیره و حسن بصری در حلال و حرام. (۲۲)

۲. سعید بن مسیب (م ۹۴ هـ ق)

ابومحمد سعید بن مسیب از مفسران معروف تابعان است. در کتاب‌های رجال از شخصیت او تمجید شده و وی را از محبان اهل بیت علیهم السلام شمرده‌اند. کثی در

رجال خود، در ضمن روایتی از امام کاظم علیه السلام او را حواری امام علی بن الحسین علیه السلام به شمار آورده است. (۲۳) دانشمندان اهل سنت نیز او را ستوده‌اند. ابن خلکان او را «سید تابعان» و یکی از فقهای سبعه مدینه می‌داند. (۲۴)

در روایتی نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: «سعید بن مسیب و قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی از ثقات علی بن الحسین علیه السلام بودند.» (۲۵)

در هر صورت، شیخ طوسی او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام می‌داند و فرموده: «از آن حضرت شنیده و روایت کرده است.» (۲۶) محدث قمی نیز وی را حواری امام سجاد علیه السلام به شمار آورده است. (۲۷) و در نتیجه، می‌توان گفت: بعید نیست که او عمده علوم خود را از آن حضرت فرا گرفته باشد.

بنابراین، روایاتی که درباره مذمت او وارد شده همه ضعیف و مردودند. (۲۸)

۳. طاووس بن کیسان (م ۱۰۶ هـ ق)

ابوعبدالرحمن طاووس بن کیسان همدانی از ایرانیان و یکی از مفسران معروف تابعان است. (۲۹) روایاتی در فضایل و تقوای او بیان و ابن شهر آشوب، (۳۰) شیخ طوسی و صاحب روضات الجنات او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام معرفی نموده‌اند. (۳۱)

۴. سدی کبیر (م ۱۲۷ هـ ق)

اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی معروف به «سدی کبیر» از مفسران تابعی و در میان تابعان، از جمله افرادی است که بیش‌ترین روایات تفسیری را نقل کرده. (۳۲) سدی از اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام بوده است. (۳۳)

۵. زید بن اسلم عدوی (م ۱۳۶ هـ ق)

ابواسامه زید بن اسلم عدوی اهل مدینه و از مفسران تابعی است (۳۴) و در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی روایاتی از او نقل

شده. نام او در سند روایات اهل سنت آمده و او را از راویان صحاح سته برشمرده‌اند. (۳۵) نام او همچنین در سند روایات شیعه، از جمله در فروع کافی (ج ۶ ص ۴۱۵) و بحار الانوار (ج ۲، ص ۲۹۹ و ج ۳، ص ۸ حدیث ۱۹) آمده است.

ابن ندیم کتابی تفسیری برای وی نقل کرده است. (۳۶) در هر صورت، اهل سنت وی را از کبار تابعین و ثقه در روایات معرفی کرده‌اند. (۳۷) علمای شیعه از جمله شیخ طوسی نیز وی را از اصحاب امام سجاد علیه السلام برشمرده‌اند. تعبیر شیخ‌نشان می‌دهد که او با امام سجاد علیه السلام همنشین بوده است. (۳۸)

آیه الله خوئی نیز وی را از اصحاب امام سجاد علیه السلام می‌داند و می‌نویسد: «و عدّه البرقی ایضا فی اصحاب السجاد و الصادق علیهما السلام.» (۳۹)

۶. ابوحمزه ثمالی (م ۱۴۸ هـ ق)

ابوحمزه ثمالی ثابت بن دینار کوفی از محبان اهل بیت علیهم السلام و از شیعیان خاص امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام است. وی صاحب تفسیری مستقل بوده که با تأسف این تفسیر از بین رفته است. (۴۰)

امام رضا علیه السلام او را سلمان زمان خود معرفی کرده است. (۴۱) (در برخی نسخه‌ها، او لقمان معرفی شده است.) (۴۲) ابن ندیم در الفهرست (۴۳) و آقا بزرگ تهرانی در الذریعه (۴۴) و داوودی در طبقات المفسرین (۴۵) وی را صاحب تفسیر معرفی کرده‌اند.

وی روایت‌کننده «رساله حقوق» و «دعای سحر ماه رمضان» معروف به «دعای ابوحمزه ثمالی» از امام سجاد علیه السلام است.

۷. عطاء بن سائب

عطاء بن سائب ابومحمد ثقفی کوفی از پیشوایان حدیث است که روایات زیادی در کتب تفسیری شیعه و اهل سنت دارد.

آیه الله خویی روایت او را از امام علی بن الحسین علیه السلام در مسأله «قضا» آورده، سپس فرموده است: «این روایت دلالت بر شیعه گری او دارد.» سپس می‌گوید: «توثیقاتی که از او درباره احادیث پیشین او رسیده و پس از آن (از نظر فکری) تغیر کرده است، شاید از آن جهت باشد که ابتدا از عامه بوده و سپس مکتب اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته است.»^(۴۶)

۸. ضحاک بن مزاحم (م ۱۰۵ هـ ق)

ضحاک بن ابراهیم هلالی، از مفسران تابعین، آراء تفسیری فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت دارد، از جمله مجمع البیان طبرسی و تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر روایات وی را نقل کرده‌اند: وی دارای تفسیری بزرگ است که مرجع تفسیر طبری و طبرسی قرار گرفته است. ضحاک از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام شمرده می‌شود.^(۴۷)

■ امام باقر علیه السلام و تفسیر قرآن

ابن ندیم در کتاب خود، الفهرست از کتاب تفسیر امام باقر علیه السلام نام می‌برد: کتاب الباقر محمد بن علی علیه السلام (۵۷ - ۱۱۴) این کتاب را ابوالجارود زیاد بن منذر، رئیس فرقه جارودیه زیدیه، از آن حضرت روایت می‌کند.^(۴۸)

نجاشی و شیخ طوسی نیز از وجود تفسیری برای ابوالجارود که آن را از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند، خبر داده‌اند و این نقل دارای سند نیز می‌باشد.^(۴۹)

بسیاری از روایات ابوالجارود از امام باقر علیه السلام هم اکنون در تفسیر علی بن ابراهیم قمی وجود دارند. شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: «ابوالجارود، نامش زیاد بن منذر (م ۱۵۰ هـ ق)، وی از آغاز ولادت ناپینا بوده و طایفه زیدیه جارودیه منسوب به اوست.

سه امام (امام زین العابدین، امام محمد باقر، و امام صادق علیهم السلام) را درک کرده است، اما در این تفسیرش از خصوص امام باقر علیه السلام روایت می‌کند و این در زمانی بوده که از نظر مذهب، مشکل نداشته است. و احتمال این است که ابوالجارود تفسیر را با املائی امام باقر علیه السلام نوشته باشد.»^(۵۰)

در هر صورت، چه ابوالجارود را موثق بدانیم یا ندانیم، اشکال این تفسیر این است که راوی آن مجهول است و اتصال سند و واسطه‌های آن از علی بن ابراهیم قمی، که اوایل قرن چهارم بوده تا ابوالجارود که فوت او ۱۵۰ هجری می‌باشد، روشن نیست.

امام باقر علیه السلام در عصر خود به توسعه علوم دینی از جمله تفسیر پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود که برخی از شاگردان تفسیری آن حضرت عبارتند از:

۱. عطیه بن سعید عوفی (م ۱۱۱ هـ ق)

او از اصحاب امام باقر علیه السلام است که تفسیری بزرگ در پنج جلد به او نسبت داده شده.^(۵۱) اگر این نسبت صحیح باشد، در آن زمان چنین تفسیری با این حجم کم نظیر، بلکه بی نظیر بوده است.

۲. عطاء بن ابی ریح (م ۱۱۴ هـ ق)

وی از فقهای نامدار مکه و فرزندان او (عبدالملک و عبدالله و عریف) همه از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده‌اند.^(۵۲) او همان کسی است که حدیث «ولایت» را در آخرین بیماری ابن عباس از وی نقل کرده است.^(۵۳)

امام باقر علیه السلام در روایتی او را ستوده و ابونعیم او را در شمار تابعانی آورده که از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند.^(۵۴)

۳. ابان بن تغلب (م ۱۴۱ هـ ق)

ابوسعید بکری کوفی، شیخ طوسی درباره او می‌گوید: «ثقه و جلیل القدر و دارای منزلتی بزرگ است. او از اصحاب امام سجاده، امام باقر و امام صادق علیهم السلام بوده و از ایشان روایت کرده و نزد ایشان از جایگاه خاصی برخوردار است.»^(۵۵)

هرگاه به مدینه می‌آمد، حلقه‌های درس دیگران به خاطر او تعطیل می‌شد و «ساریه النبی» (ستونی در مسجد النبی) پیامبر صلی الله علیه و آله کنار آن می‌نشست به وی واگذار می‌شد.^(۵۶) البته این کار به فرمان امام باقر علیه السلام انجام می‌گرفت. حضرت به او فرمودند: «در مسجد بنشین و فتوا بده، زیرا دوست دارم در میان شیعیانم مثل تو را بینم.»^(۵۷)

۴. جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ هـ ق)

جابر از مفسران تابعی و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود. شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام شمرده است.^(۵۸)

سید حسن صدر می‌نویسد: جابر بن یزید جعفی از پیشوایان حدیث و تفسیر است و آن‌ها را از محضر امام باقر علیه السلام آموخته.^(۵۹)

نجاشی می‌گوید: جابر بن یزید جعفی عربی اصیل بود و به دیدار امام باقر و امام صادق علیهما السلام نایل آمد و در زمان امام صادق علیه السلام در سال ۱۲۸ هـ ق درگذشت. او چند کتاب دارد که از جمله آن‌ها تفسیر است.^(۶۰) از روایات استفاده می‌شود که او از اصحاب سیزده اهل بیت علیه السلام بوده است.^(۶۱) کشی از جابر نقل کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام هفتاد هزار حدیث برای من روایت فرمود که آن‌ها را برای احدی نقل نکرده و نخواهم کرد.^(۶۲)

آراء تفسیری جابر (مباحث کلامی و اعتقادی، دفاع از ولایت و بیان ناسخ و منسوخ) به نقل از امام باقر علیه السلام در تفسیر عیاشی (از جمله ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱ و ص ۳۳۰، ح ۱۴۸ و ص ۵۹) آمده است. در تفاسیر دیگر نیز (از جمله البرهان سید هاشم بحرانی و نورالتقلین حویزی) روایات تفسیری فراوانی از جابر نقل شده است.

۵. شهر بن حوشب اشعری (م ۱۱۱ هـ ق)

وی از مفسران تابعی، از امام ابو جعفر باقر علیه السلام روایت کرده که برخی از روایاتش از طریق ابو حمزه ثمالی است. کلینی در ابواب گوناگون کافی از جمله

«الاشارة والنص علی الحسن بن علی» از وی روایت کرده است.

آیه الله معرفت می‌نویسد: طبری و علی بن ابراهیم قمی بیش‌تر از طریق ابو حمزه به واسطه شهر بن حوشب از امام باقر علیه السلام روایت می‌کنند.^(۶۳)

۶. ابونضر محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶ هـ ق)

وی از مفسران عالی قدر و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده است.^(۶۴)

■ امام صادق علیه السلام و تفسیر

مکتب شیعه وامدار تحول فرهنگی است که امام صادق علیه السلام ایجاد نمود. افزون بر روایات فراوان در مسائل گوناگون اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تفسیری و پر بودن کتاب‌های تفسیری شیعه مانند تفسیر عیاشی، نورالتقلین، البرهان، تفسیر قمی و نیز مجمع البیان و تفسیر صافی از گفتارهای ارزشمند این امام بزرگ، دو کتاب به نام‌های مصباح الشریعه و تفسیر جعفر الصادق در کتاب حقایق التفسیر القرآن به ایشان منسوبند. مصباح الشریعه تاکنون چندبار به چاپ رسیده است (در ایران توسط حسن مصطفوی و در بیروت با تحقیق علی زیعور و توسط مؤسسه عزالدین للطباعة و النشر چاپ شده) ولی مانند بیش‌تر کتاب‌های حدیثی به صورت سندی و نقل قولی به امام صادق علیه السلام منتسب شده است و ظاهر کلماتی که در آغاز هر باب یا مدح و اعظام حضرت آمده، نشان می‌دهند که این کتاب دست کم توسط حضرت صادق علیه السلام نگارش نیافته است. بیش‌تر کتاب حاوی مضامین اخلاقی و نکات اعتقادی است، اما کلمات آن حضرت در کتاب حقائق التفسیر ابو عبدالرحمن سلمی (۳۲۵ - ۴۱۲) و دیگر کتاب‌های منسوب به ایشان که بخش مشخصی از آن مباحث تفسیری و تأویلی است به خوبی آشکار است و مطالب تفسیری به نوعی عرفانی و بکر است و گرایش باطنی و رمزی دارد.^(۶۵)

امام صادق علیه السلام شاگردان

فراوانی تربیت کردند، به گونه‌ای که شاگردان آن حضرت را تا چهار هزار تن گفته‌اند. اما شاگردان ایشان در تفسیر افزون بر افرادی مانند ابو حمزه ثمالی، جابر بن یزید جعفی و عطاء بن ابی ریحان و حتی ابوالجارود - که پیش از این نام آن‌ها ذکر شد و اصحاب دو یا سه امام بوده‌اند - شخصیت‌های دیگری نیز در تفسیر ذکر گردیده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. یحیی بن کثیر (م ۱۰۵ هـ ق)

ابونضر یحیی بن کثیر (م ۱۰۵ هـ ق) که ابن حجر وی را از جمله راویان امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام می‌شمارد و از برخی نقل کرده است که وی «به پیروی مذهب تشیع شهرت دارد»^(۶۶) در تفاسیر، نام او آمده است، از جمله در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۲۵ سوره بقره که آیه شریفه «واتوا به متشابها» را تفسیر نموده است.^(۶۷)

۲. شعبه بن حجاج (م ۱۰۶ هـ ق)

او از نخستین افرادی است که به تدوین مجموعه‌های حدیثی پرداختند. شافعی گفته است: اگر شعبه نبود، روایت و حدیث در عراق شناخته نمی‌شد.^(۶۸) شیخ طوسی او را در زمره اصحاب امام صادق علیه السلام آورده است.^(۶۹)

۳. سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ هـ ق)

ابو محمد سفیان بن عیینه هلالی کوفی در سال ۱۶۳ در مکه رحل اقامت افکند و همان جا ماند تا این که در سال ۱۹۸ درگذشت. او از بزرگان سلف، از جمله امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام روایت کرده و بسیاری از بزرگان حدیث نیز از او روایت کرده‌اند.

نجاشی می‌گوید: «او نوشته‌ای دارد که از گفتار جعفر بن محمد فراهم آورده است.» آن گاه سند خود را نسبت به آن نوشته، از وی بیان می‌کند.

شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده‌اند.

مرحوم کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب و علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش از او روایت کرده‌اند.^(۷۰)



۴. عبدالرحمن بن زید (م ۱۸۲)

عبدالرحمن بن زید بن اسلم عدوی، پدرش زید بن اسلم پیش از این از جمله اصحاب امام سجاد علیه السلام ذکر شد، اگرچه برقی، وی (پدر) را نیز از اصحاب امام صادق علیه السلام برشمرده است.

اما مرحوم شیخ طوسی تنها عبدالرحمن بن زید را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام آورده است.^(۳۱)

مرحوم کلینی در کتاب کافی در ابواب گوناگون از او روایت کرده است.

افرادی همچون محمد بن فضیل بن کنیز ازدی از وی روایت کرده‌اند. شیخ مفید در رساله عدویه درباره او می‌گوید: او از فقیهان و سرآمد بزرگان است که حلال و حرام و فتوا و احکام از ایشان اخذ می‌شود و راه طعنه بر آنان بسته است.^(۳۲)

بحث تحول فرهنگی که امام صادق علیه السلام بدید آورد، خود جایگاه خاصی می‌طلبد و نیاز به کتاب‌ها دارد. همچنین بررسی شاگردان ایشان تنها به موارد مزبور خلاصه نمی‌شود، بلکه افرادی همانند ابوبصیر یحیی بن ابوالقاسم اسدی (م ۱۵۰ هـ) (حق) از اصحاب اجماع و ابان بن تغلب و محمد بن سائب کلبی و افراد فراوان دیگر را نیز می‌توان نام برد: حتی افرادی که مقداری مسأله‌دار بوده‌اند: همانند قتاده و واصل بن عطاء نیز به نوعی از شاگردان آن حضرت به حساب می‌آیند. برخی از افراد دیگر نیز، که از تابعان تابعین می‌باشند، از جمله شاگردان امام صادق علیه السلام ذکر شده‌اند که در مجموع، به همین مقدار اکتفا می‌شود.

نکات لازم در مکتب تفسیری امام صادق علیه السلام: با بررسی روایات تفسیری در منابع تفسیری شیعه، می‌توان نکاتی را در این زمینه مطالعه کرد:

۱. حجم روایات تفسیری وارد شده از امام صادق علیه السلام قریب ۱۲ روایت را تشکیل می‌دهد.
۲. بررسی زندگی راویان و وثاقت آن‌ها با استفاده از کتب تاریخ و رجالی بحثی قابل توجه در کار تحقیق است.
۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر روش‌های گوناگونی داشته‌اند.
۴. مبانی تفسیری ارائه شده از جانب آن حضرت بحثی قابل بررسی است.



پی‌نوشت‌ها:

۱. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۹۶.
 ۲. محمد باقر مجلسی، بحرالانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۵.
 ۳. شهید ثانی، الدراری فی مصطلح الحدیث، ص ۱۲۰ و ۱۲۲.
 ۴. جلال الدین سیوطی، الدرالمستور، ج ۳، ص ۶۰۳ احمد بن حنبل، مستدرک، ج ۱، ص ۳۳۱، طبری، تفسیر جامع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۶.
 ۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷ و ۴۸.
 ۶. برخی از محققان از جمله مرحوم مامقانی در مقیاس الهدایة فی علم الدراری، ج ۳، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ عصر تابعان را از سال سی تا سال ۱۸۰ هـ می‌دانند اما بیش‌ترین روایات تفسیری ما بین نیمه قرن اول تا نیمه قرن دوم مطرح بوده‌اند.
 ۷. محمد بن یعقوب کلینی، روضه کافی، ص ۱۴۲، ح ۴۸۵.
 ۸. عمرو بن عبید بصری از یاران و شاگردان حسن بصری است که معتقد بود: مرتکب کبیره فاسق است. وی در سن ۶۴ سالگی در سال ۱۳۴ هـ فوت کرد. وی مناظراتی با برخی از افراد داشته، از جمله پرسش‌هایی از آیات قرآن از امام باقر علیه السلام نموده است. (ر.ک: محدث قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۶۵، ماده «عمرو»)
 ۹. حویزی، نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۸۶.
 ۱۰. محدث قمی، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۵.
 ۱۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۷.
 ۱۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲.
 ۱۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵.
 ۱۴. همان، ص ۱۱.
 ۱۵. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۲۳، ص ۷۹.
 ۱۶. سید عبدالرزاق موسوی قمری، الامام زین العابدین، ص ۲۸۹ و نیز ر.ک: عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱، ص ۲۶۴.
 ۱۷. حویزی، ج ۲، ص ۴۱۴.
 ۱۸. محدث قمی، ج ۱، ص ۶۲۲.
 ۱۹. کشی رجال کشی، مؤسسه آل البیت، ج ۱، ص ۳۳۵ و جاب
۲۰. همان.
 ۲۱. ر.ک: سید محمد باقر حجتی، سه مقاله در تاریخ تفسیر، ص ۴۵.
 ۲۲. جلال الدین سیوطی، الاتقان، ج ۴، ص ۲۰۴.
 ۲۳. کشی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۴۲.
 ۲۴. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۳۷۵.
 ۲۵. محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۳۶۳، باب «مولد الصادق علیه السلام» حدیث ۱۰.
 ۲۶. رجال طوسی، ص ۹۰.
 ۲۷. محدث قمی، ج ۱، ص ۶۲۲.
 ۲۸. ر.ک: سید ابوالقاسم خونی، معجم رجال حدیث، ج ۸، ص ۱۳۵.
 ۲۹. محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۳۳۳.
 ۳۰. ر.ک: ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۸-۱۰.
 ۳۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۷.
 ۳۲. محدث قمی، ج ۲، ص ۹۴.
 ۳۳. ر.ک: خضری، تفسیر التابیین، ج ۱، ص ۳۰۲.
 ۳۴. صدر، تاسیس النیبه، ص ۳۲۶.
 ۳۵. ذهبی، ج ۱، ص ۱۲۶.
 ۳۶. ابن حجر، ج ۲، ص ۳۲۲.
 ۳۷. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۶۶.
 ۳۸. ذهبی.
 ۳۹. طوسی، رجال، ص ۱۱۴. اگرچه شیخ طوسی در زمره اصحاب امام صادق علیه السلام نیز نام وی را ذکر کرده است.
 ۴۰. سید ابوالقاسم خونی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۲۵.
 ۴۱. اگرچه اخیراً تفسیری به نام ایشان با عنوان «تفسیر ابوحمزه شمالی» منتشر شده که حاصل روایات منقول از ایشان است. (انتشارات دلیل، ۱۳۷۸).
 ۴۲. نجاشی، رجال، ص ۱۵ و ۱۶.
 ۴۳. سید ابوالقاسم خونی، ج ۲۱، ص ۱۲۶.
 ۴۴. الفهرست، ج ۳۶.
 ۴۵. آقا بزرگ طهرانی، الزریعه، ج ۴، ص ۲۵۲.
 ۴۶. دادوی، طبقات المفسرین، ج ۱، ص ۱۲۶.
 ۴۷. سید ابوالقاسم خونی، ج ۱۱، ص ۱۲۵ (ش ۷۶۸۸).
 ۴۸. ر.ک: محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۳۶۰.
 ۴۹. ابن ندیم، پیشین، ص ۳۷.
 ۵۰. نجاشی، ص ۱۷۰، رقم ۴۴۸؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۷۲، رقم ۲۹۳.
 ۵۱. آقا بزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۵۱.
 ۵۲. همان، ج ۴، ص ۲۸۲.
 ۵۳. ر.ک: کشی، ص ۱۸۸ (جاب نجف) و نیز ر.ک: محدث قمی، ج ۲، ص ۲۱۶.
 ۵۴. محمد باقر مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۸۷.
 ۵۵. ابونعیم، حلیة الاولیاء، ص ۱۸۸ و ۳۱۱.
 ۵۶. شیخ طوسی، ص ۵ و ۶.
 ۵۷. نجاشی، ص ۸.
 ۵۸. همان، ص ۷.
 ۵۹. شیخ طوسی، ص ۱۱۱ و ۱۶۲.
 ۶۰. صدر، ص ۳۲۶.
 ۶۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۹۲ (جاب شهید)، ش ۳۳۷.
 ۶۲. ر.ک: ذهبی، ج ۱، ص ۴۶۵.
 ۶۳. سید ابوالقاسم خونی، پیشین، ج ۴، ص ۲۱-۱۷.
 ۶۴. محمد هادی معرفت، پیشین، ج ۱، ص ۴۶۵.
 ۶۵. مؤدب، روش‌های تفسیری، ص ۱۳۵.
 ۶۶. ر.ک: سید محمد علی اباززی، سیر تطور تفسیر شیعه، ص ۳۹ و ۴۰.
 ۶۷. ابن حجر، ج ۱۱، ص ۲۶۷، ش ۵۲۸.
 ۶۸. طبری، مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۵.
 ۶۹. ابن حجر، ج ۴، ص ۳۳۸.
 ۷۰. شیخ طوسی، رجال، ص ۲۱۸.
 ۷۱. ر.ک: سید ابوالقاسم خونی، ج ۸، ص ۱۵۷، ش ۵۲۳۶.
 ۷۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۳۲، ش ۱۲۸.
 ۷۳. سید ابوالقاسم خونی، ج ۹، ص ۳۲۸ و ج ۱۷، ص ۱۴۷، فصلنامه معرفت شماره ۷۱.